

درآمد: شعری به خط غمام همدانی شاعر

حاشیه: ۷ غمام همدانی

باغ را بلبل خوش‌نغمه پر آواز کند	چون نسیم سحری پرده گل باز کند
خیزد از خواب و نوای طربی ساز کند	کاشکی مطرب ما نیز بهنگام صبح
عقل خام از سر بی‌مغزش پرواز کند	آنکه دل پرده ز من گر بشناسد زاهد
نازنینی است که بر جان و جهان ناز کند	بی‌نیاز است ز عشق من و جان بازی غیر
جان دمد چون لب شیرین به سخن باز کند	دل برد چون بگشاید ز رخ خوب نقاب
عجیبی نیست اگر دعوی اعجاز کند	دلربائی که لبش رشک مسیحا باشد
هر که رخ جانب آن دلیر طناز کند	ناگزیر است که روی از همه برگرداند
کی نظر سوی من قافیه‌پرداز کند	با ردیف مژگان صف‌شکن خوبان است
همدان را بسخن غیرت شیراز کند	طبع موزونش اگر شعر سراپد چو غمام

The Ghani Collection at Yale